

اشاره:

نشست مجازی موسسه دین و اقتصاد با موضوع «تحول رویکردهای حاکم بر برنامه ریزی در آستانه تدوین برنامه هفتم» برگزار شد.

به اعتقاد دکتر مومنی، مدتی است با تکیه بر دروغ و جوسازی مافیاهای رسانه‌ای بساطی راه انداخته‌اند که قیمت ارز پایه کالاهای اساسی، حامل‌های انرژی و مابقی کالاهای و خدماتی که توسط دولت عرضه می‌شود را بالا ببرند. من، مسئولان وزارت اقتصاد، بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه را دعوت به مناظره می‌کنم. اگر واقعا در سیاست‌های تورم زا ذی‌نفع نیستید بیاید با هم بحث کنیم. مبنای سخنان من در این مناظره گزارش‌های رسمی منتشر شده در همین سه دستگاه خواهد بود.

# افزایش قیمت ارز پایه کالاهای اساسی با کمک جوسازی!



گزارشی از برگزاری نشست مجازی موسسه دین و اقتصاد

بر اساس همان سند، مجموع منابعی که برای نشان دادن تراز صوری بین منابع و مصارف بودجه آن سال آورده شده بود از محل وام‌گیری داخلی و خارجی و انتشار اوراق مشارکت ۲/۴ برابر سهم نفت منابع در نظر گرفته شده بود لذا ما هشدار دادیم که کشور به سمت فروپاشی مالی خواهد رفت. بنابراین یک مسئله بسیار حیاتی این است که ماجرای ما کمبود ارز ریال نبوده بلکه در کلی‌ترین حالت ماجرا این است وقتی ساختار قدرت مناسبات را از طریق شوک درمانی به سمت بی‌ثباتی می‌برد هیچکس از جمله حکومتگران احساس امنیت نمی‌کند و همین باعث می‌شود اساس برنامه ریزی زیر سوال برود که در نهایت می‌بینیم وقتی نتایج اقدامات دولت احمدی‌نژاد مشخص شد، آمدند از برنامه توسعه یک پوسته و شبیه باقی گذاشتند.

این استاد دانشگاه در ادامه بیان کرد: در شرایطی که مناسبات رانته می‌شود ساختار قدرت به فرار با سودها بیشتر فکر می‌کند تا آینده کشور در نتیجه مهم‌ترین کاری که می‌کند این است که به سمت مناسباتی خواهد رفت که از مسئولیت‌های خود طفره

دسترسی به منابع ریالی در دهه ۹۰ شمسی به مراتب بیشتر از دهه ۸۰ بود یعنی باید جلوی این توهم را گرفت که ما به بن‌بست خورده‌ایم چون ارز و ریال کم داشته‌ایم. این موضوعی که من مطرح می‌کنم مبتنی بر گزارش‌های رسمی بانک مرکزی است.

از زمانی هم که مشخص شده مشکل ما ارز و ریال نبوده است مسئله بعدی این است که ما قادر به اتخاذ تصمیمات خردورزانه نبوده‌ایم. وقتی که فضا را سیاست‌زده می‌کنند و مافیاهای هر صدای ضد رانت و فساد را با برچسب کمونیستی و پیوند با خارجی‌ها سرکوب می‌کنند، چنین مناسبات مبتنی بر فساد، نابرابری و بی‌ثباتی پدید می‌آید. در نتیجه ما خیلی نیازمند آن هستیم که درباره دهه ۹۰ صحبت کنیم. یکی از فجایعی که در اولین سال دهه ۹۰ مشاهده سند لایحه بودجه سال ۹۱ متوجه شدیم و در پی آن رسماً درباره گذار خطرناک از خام‌فروشی به آینده فروشی اعلام خطر کردیم این بود که در دوره احمدی‌نژاد در قله درآمدهای نفتی قرار داشتیم و همزمان قله وابستگی‌های دلت آور از طرق واردات نیز در آن دوره رقم خورد.

در این نشست دکتر فرهاد مومنی - عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و اقتصاددان - در ابتدای سخنان خود با تأکید بر لزوم ایجاد بستر گفت‌وگو حول موضوع برنامه هفتم توسعه با توجه به شرایط کنونی کشور، گفت: سال ۱۴۰۰ سال تدوین برنامه هفتم توسعه کشور است لذا امیدواریم راجع به این مسئله خطیر گفت‌وگوهای مستمری ایجاد شود. بحث بر سر این است که تقریباً همه کارشناسان و بسیاری از اسناد رسمی انتشار یافته از سوی نظام قاعده‌گذاری‌های اساسی کشور، دهه ۱۳۹۰ به عنوان دهه از دست رفته قلمداد می‌کنند. من بسیار متأسفم که فضای آلوده به فساد توسط مافیاهای سیاست‌زدگی افراطی اجازه نمی‌دهد بحث‌های علمی کارشناسی درباره چرایی این اتفاق رخ دهد. ما از اصحاب رسانه می‌خواهیم که آنها باب گفت‌وگو درباره این موضوع مهم را باز کنند.

«مشکل کشور، نبود ارز نیست»

مومنی افزود: نکته مهم در اقتصاد ایران این است که همه بدانند علی‌رغم شدت گرفتن تحریم‌ها در سال‌های اخیر، دسترسی به منابع ارزی و از طریق آن



ساز است. مومنی با اشاره به گزارش اخیر دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه گفت: این گزارش یک موضوع واقعی است و اینکه شما بگویید این یک نظر شخصی بوده خلاف واقع است پس بیایید درباره آن گزارش یک گفت و گوی ملی راه بیندازید که اگر سیاسی کاری رخ داده مشخص شود.

در کتاب اقتصاد ایران در دوران دولت ملی ما نشان دادیم که در دوره مرحوم هاشمی رفسنجانی می گفتند کشور نیاز به بازسازی دارد و ما به پول زیاد نیاز داریم در نتیجه این پول را از طریق شوک شدید به نرخ ارز به دست آوردند. در نتیجه برآیند آن این شد که سازمان برنامه گزارش می دهد که در آن دوره ۸ ساله با تمام دستکاری هایی که برای کتمان واقعیت رخ داد کسری بودجه دولت ۸ برابر و کسری به معنای بدهی شرکت های دولتی ۲۳ برابر شد.

چه حکمتی وجود دارد که شدت بدهی شرکت ها به این میزان بالا رفته است؟ پاسخ این است که شرکت های دولتی به حیاط خلوت خاصه خرجی ها تبدیل شده بودند. به همین خاطر هم هست که علی رغم الزامی قانونی قرائت گزارش عملکرد شرکت ها توسط دیوان محاسبات، رییس کنونی مجلس و هیئت ریسه اجازه قرائت گزارش توسط دیوان را صادر نکردند. فسادى که از کانال این بازی به دنبال شوک درمانی ها گریبان شرکت های دولتی را گرفته است را ببینید که چگونه کشور را به ورطه نابودی کشانده است.

ماجرای این است که دولت نه تنها پولدارتر نشد بلکه به چنین افلاسی دچار شد که سازمان برنامه و بودجه می گوید اگر هم اختلافات با خارجی ها حل و فصل شود، در صورت تداوم روندهای کنونی راه نجاتی پیش روی کشور نیست.

عضو هیات علمی دانشگاه علامه خاطر نشان کرد: در تلویویون افتخار می کنند که ما بدهی های زیادی ایجاد کرده ایم که این موضوع یک شیوه جدید حکمرانی در کشور است. وزیر اقتصاد به جای اینکه بگوید من چه کار آمدی بیشتری در مالیات ستانی داشته ام می گوید ما در فروش دارایی های حکومت کولاک کردیم و هر جا این فروش دارایی ها کفایت نمی کرد آنقدر بدهی

قیمت های کلیدی است. مدتی است با تکیه بر دروغ و جوسازی مافیاهای رسانه ای بساطی راه انداخته اند که قیمت ارز پایه کالاهای اساسی، حامل های انرژی و مابقی کالاها و خدماتی که توسط دولت عرضه می شود را بالا ببرند.

سانی که به این ماجرا دامن می زنند اگر ناآگاه هستند تلاش کنند که مدیریت اقتصادی کشور جرئت کند و قبل از ابلاغ چنین تصمیمات مشکوکی در مناظرات کارشناسی حضور پیدا کند.

من مسئولان وزارت اقتصاد، بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه را دعوت به مناظره می کنم. اگر واقعاً در سیاست های تورمزا، ذی نفع نیستید بیایید تا با هم بحث کنیم. مبنای سخنان من در این مناظره گزارش های رسمی منتشر شده در همین سه دستگاه خواهد بود.

من به آقای رییس جمهور که در امور اقتصادی به عنوان یک تازه کار با تیمی فاقد کفایت بایسته کار را جلو می برند هشدار می دهم که شما را می ترسانند از اینکه دولت پول ندارد و اگر سر ماه نتوانید حقوق کارمندیها را بدهی آبرویت خواهد رفت اما من می گویم شما را به گفت و گو دعوت می کنم تا نشان دهیم بر اساس گزارشات پر شمار بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه مسئله پولدار شدن از طریق شوک ارزی و شک به حامل انرژی یک توهم فاجعه

رود و برای اینکه اینکار انجام شود باید برنامه توسعه از کار برد بیفتند و این همان اتفاقی است که اکنون رخ داده و ما شاهد آن هستیم. ما بسیار متأسفیم که الان خیلی از کارشناسان می ترسند از اشکالات سازمان برنامه بگویند در حالیکه در شرایط فعلی ایران هیچ راه دیگری برای برون رفت از بحران جز از طریق برنامه ریزی به معنای واقعی کلمه ندارد.

هر کس که الفبا و بدیهیات عقل سلیم را بشناسد می فهمد که دلیل شکست حسن روحانی و هم پیمانان او این بود که هروقت ما تلاش می کردیم به آنها بفهمانیم که اگر کیفیت برنامه توسعه را اصل قرار ندهید هم خودتان را بیچاره می کنید و هم کشور را با مشکل مواجه می کنید، به در بسته می خوردیم. ما می گفتیم تعداد بحران های شما از حدود متعارف گذشته و به تدریج بین این بحران ها ارتباط سینرژیک خطرناکی ایجاد خواهد شد لذا در چنین شرایطی برخورد جزیره ای به ابعاد بحران می افزاید.

وی افزود: من می خواهم بگویم خطر برنامه گریزی در دولت فعلی به مراتب از دولت روحانی بیشتر است. ما در حال مشاهده علائمی در دولت و مجلس هستیم که نشان دهنده زمینه سازی های خطرناکی برای برهم زدن امکان شکل گیری یک برنامه توسعه با کیفیت و راهگشا است. یک نمونه بسیار بدیهی و پر شمار تجربه شده در این زمینه ماجرای دستکاری

مجلس نیز مروج شوک درمانی و اظهارات بی پایه تبدیل شده است به طوری که بعد از ۳۰ سال تجربه گزارش منتشر می‌کنند و دلیل شکست در تجارت خارجی را گران نکردن نرخ ارز می‌دانند. ما فکر می‌کردیم این نهادها اصالتاً طرف مردم هستند اما کار به جایی رسیده است که گزارش همین مرکز درخصوص منتفع نشدن کشور از سیاست‌های شوک به حامل‌های انرژی نادیده گرفته می‌شود و گزارشی که شوک درمانی را راه رستگاری می‌داند، منتشر می‌کند. الآن هم می‌بینیم مرکز پژوهش‌های مجلس علی‌رغم وجود دیدگاه‌های متفاوت در بدنه کارشناسی در مورد ارز ۴۲۰۰ تومانی، گزارش‌هایی که مروج شوک درمانی هستند را منتشر می‌کند. مومنی در پایان با بیان اینکه مسئله مهم در تدوین برنامه هفتم توسعه غلبه بر نا اطمینانی‌ها است، گفت: از جامعه‌شناسان سیاسی، عالمان علم سیاست و ... مدد می‌خواهیم که گزارش وزارت کشور در سال ۹۵ منتشر کرد را برای مسئولان بازخوانی کنند که نا اطمینانی‌های منشأ تعاملات انسانی، ایران را در معرض حادثترین بحران‌های اجتماعی قرار داده است. امیدواریم این گزارشات از سوی تصمیم‌گیران اساسی کشور دیده شود.

**منبع: موسسه دین و اقتصاد**

است جلوی آن را بگیرند. مومنی با بیان اینکه تلویزیون فکر می‌کند که اگر تربیون خود را به کسانی بدهد زنده باد افزایش قیمت ارز می‌گویند به دولت و مجلس خدمت می‌کند، گفت: واقعیت این است که صداوسیما بر سر شاخه نشسته و بن می‌برد. رسانه‌های گرمی یادآوری کنند که تجربه‌های دولت احمدی نژاد به وابستگی‌های عمیق‌تر به دنیای خارج منجر شد در حالی که ژست آنها چیزی بر خلاف این اتفاق بود. وی افزود: یک عده همچنان فرق بین هدف‌گذاری برنامه‌ای در یک دوره معین با بلند پروازی‌های غیرعادی را نمی‌دانند یعنی حد و حدود ظرفیت‌های نهادی، مادی و انسانی منابع خود را ندانید و تمام اهداف خوب را در برنامه خود بیاوری لذا این مسئله خطرناک است. الفبای ادبیات برنامه‌ریزی توسعه این است که برنامه توسعه تابع درکی از توسعه است که ما داریم به این معنا که شما نمی‌توانید از درک توسعه‌ای خود طفره بروید و بعد شکل مناسب برنامه توسعه را تشخیص دهید. مسئله حیاتی این است که شما تناسب بین ابزار برنامه‌ریزی و اهداف توسعه را رعایت کنید

«مرکز پژوهش‌های مجلس گزارش‌هایی که مروج شوک درمانی هستند را منتشر می‌کند متأسفانه ما می‌بینیم که اکنون مرکز پژوهش‌های

جور کردیم که تا بتوانیم حقوق کارمنداها را بپردازیم. واقعاً شما نمی‌دانید این شیوه قابل ادامه دادن نیست؟

**«حذف ارز ۴۲۰۰ تومان ۳۵۰ برابر رانت ایجاد می‌کند**

مومنی افزود: الآن می‌گویند ما با رانت و فساد مخالفیم پس می‌خواهیم ارز ۴۲۰۰ تومانی را حذف کنیم. کجای دنیا از طریق ایجاد جهش در هزینه‌های معطوف به بقای فقرا به آنها رحم می‌کنند که شما مورد دوم آن باشید؟

در سال ۱۳۹۸ که این سخنان راه افتاده بود ما نشان دادیم که ارز ۴۲۰۰ تومانی نوعی توزیع رانت است که معطوف به بقای شهروندان می‌شود نه معطوف به چاق کردن لاشخورها. از دوران اسمیت تا امروز تمام اقتصاددان‌هایی که کلیدی‌ترین پیامد سیاست‌های تورم‌زا رانت ایجاد می‌کند لذا ما اندازه‌گیری کردیم که رانت سیاست‌های تورم‌زا ۳۵۰ برابر آن رانتی است که این عزیزان می‌گویند با آن مخالف هستند. پس ماجرا این است که دولت به انگیزه توهم پولدارشدن این کار را می‌کند و خودش از همه بیشتر به افلاس می‌افتد.

وی افزود: کسانی که می‌خواهند آبروی آقای ریسی حفظ شود بدانند که سازمان برنامه گزارشی منتشر کرده که در آن گفته می‌شود «تجربه عملی شوک درمانی نشان داد که آسیب‌پذیری مالیه دولت در برابر سیاست‌های تورم‌زا به طور متوسط ۳/۵ برابر آسیب‌پذیری خانوارها و بنگاه‌های تولیدی است».

یک گزارش رسمی دیگر می‌گوید فقط در دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۹ به خاطر شدت اصرار به شوک درمانی خروج سرمایه ۱۷۱ میلیارد دلاری از کشور بوده است که در پی آن دانشگاه شریف گزارش می‌دهد هر بار شوک درمانی رخ می‌دهد با امواج گسترده‌تر خروج سرمایه انسانی روبرو می‌شویم. چرا این موارد را در محاسبات خود لحاظ نمی‌کنید؟ راه نجات این است مقامات اقتصادی کشور در یک برنامه زنده از شوک نرخ ارز دفاع کند و ما پاسخ دهیم و اگر برای نهاد‌های نظارتی محرز شد که این مسیر ضد منافع عمومی

